



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌گیریم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، هم‌هانش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

خانمی بچه یک ساله‌اش را بغل کرده بود و از تکنیسین داروخانه «دوا سیاه» یا همان «ایکتیول» می‌خواست تا روی قرمزی کنار دهانش بگذارد! پیرزنی که کنار او ایستاده بود، قبل از این که من چیزی بگویم، با تعجب او را از این کار منع کرد و رو به من گفت: آقای دکتر! شما یک چیزی بگویید! کار پیرزن را راه انداختم و بعداً خطاب به خانم بچه به بغل گفتم: پماد «ایکتیول» یا همان «دوا سیاه» معروف برای قرار دادن روی دمل‌های چرکی است تا به دلیل کراتولیتیک بودن، باعث شود تا دمل سر باز کرده، و چرک داخل آن خارج شود و بیمار بهبودی یابد.

یادداشت ۲

از جای خود در صف اول نماز جماعت مسجد بلند شد آمد کنار من و دو ورق قرص، یکی قرص لوراتادین و دیگری قرص دیفنوکسیلات را نشان داد و از اثرهای آن‌ها پرسید؟
برایش شرح دادم که قرص لوراتادین دارویی آنتی‌هیستامین یا ضدحساسیت است و قرص دیفنوکسیلات برای جلوگیری از اسهال است. بدون این که از نحوه مصرف آن‌ها بپرسد، با خودکارش روی هر کدام نوشت و تشکر کرد و خواست به سر جای خودش در صف نماز برگردد که گفتم: یادتان باشد، وقتی به داروخانه آمدید، ویزیت این طبابت را از شما بگیرم!
لبخندی زد و گفت: به روی چشم. ولی به جای ویزیت، شما را دعا می‌کنم که همیشه همین‌طور

در خدمت بیماران باشید.

یادداشت ۳

تا قبل از اضافه شدن داروی «لوپرامید» به فهرست دارویی ایران، اگر کسی به داروخانه برای یک اسهال ساده مراجعه می‌کرد و از دکتر داروساز مشاوره دارویی می‌خواست، در حد سؤال نکیر و منکر در شب اول قبر! سین جیم شده و دست آخر یک ورق ده عددی قرص دیفنوکسیلات به او داده می‌شد! توصیه هم می‌شد که اگر با خوردن قرص‌ها، اسهال او خوب نشد، به پزشک مراجعه کند.

فردی به داروخانه مراجعه کرد، یک بلیستر خالی لوپرامید را نشان داد و درخواست برای اسهال همسرش داشت. چند وقتی بود که در بازار نبود و مریض مشابه آن را درخواست کرد.

خنده‌ام گرفت که باید این بار بدون سین‌جیم‌های مکرر، بدون وقفه به او دیفنوکسیلات بدهم! حالا اگر این مریض قبلاً برای دیفنوکسیلات در داروخانه بازجویی پس داده باشد، چه می‌شود!

یادداشت ۴

یک بلیستر خالی قرص ناپروکسن ۵۰۰ میلی را جلویم گرفت و گفت: یک بسته از این دارو بدهید. ضمناً اشاره کرد که باید هر ۸ ساعت یک قرص خورده شود؟
به ایشان تذکر دادم که مقدار مصرف این دارو روزی یکی است و زیادی آن برای دستگاه گوارش ضرر دارد!

ورزش پیاده‌روی داشته باشد و نمک کم بخورد. ضمناً یادآوری کردم که از کم‌خوری کسی تا به حال طوری نشده، بلکه همه مریضی‌ها از پُرخوری به‌وجود می‌آید!

یادداشت ۶

از داروهای داخل سبد، یک بسته دارو را برداشت و پرسید: آقای دکتر! زیاد خوردن این دارو ضرر ندارد؟

گفتم: خانم، غذای روزانه را هم اگر زیاد بخورید، ضرر دارد و دچار سوء هاضمه می‌شوید. دارو اگر به اندازه و طبق دستور پزشک یا توصیه داروساز مصرف شود، ضرر ندارد که هیچ، فایده هم دارد. در ادامه به ایشان توصیه کردم که همیشه دارو را طبق دستور پزشک یا با مشاوره داروساز مصرف کند و هیچ‌گاه سر خود، میزان آن را کم یا زیاد نکند! ضمناً به ایشان یادآوری کردم که نظم در خوردن دارو، نقش مهمی در بهبودی سریع و بهتر بیماری دارد.

مراجعه‌کننده خیلی خونسرد گفت: آخه آقای دکتر! مریض ما خیلی مشکل دارد و زیاد درد می‌کشد!

به ایشان گفتم اگر کسی خیلی گرسنه باشد، باید به جای یک پرس غذا، مثلاً سه پرس غذا بخورد؟ اصلاً اگر بخواند هم می‌تواند؟ مکتی کرد و ظاهراً قانع شد و تشکر کرد و رفت.

یادداشت ۵

از مراجعه‌کنندگان دایمی داروخانه و از دوستان است. وارد داروخانه شد و بعد از چاق سلامتی با من، راجع به فشارخونش مشورت می‌خواست. عنوان کرد که دکتر قلبش خارج از کشور است و به او دسترسی ندارد. احساس می‌کند که فشارخونش علی‌رغم خوردن دارو زیاد است و می‌خواست بدانند آیا می‌تواند قرص متورال ۵۰ میلی‌گرمی را که روزی نصف قرص می‌خورد، برای کنترل فشارخونش به یک قرص در روز افزایش دهد؟ افزایش مقدار مصرف دارویش را توصیه نکردم و جایز ندانستم، در عوض به او پیشنهاد کردم که